

نکته



بررسی تغییرات نرخ بیکاری

گزارش‌های اخیر دولت و مرکز آمار ایران از تک‌رقمی شدن نرخ بیکاری حکایت دارد. برخی در ارتباط با دقت آمارهای ارائه شده نظراتی دارند و برخی دیگر با فرض صحت آمار بر این باورند که در کاهش نرخ بیکاری متغیرهای زیادی نقش دارند.

محمود کریمی‌پیرانوند، معاون توسعه کار آفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تازگی در یک برنامه تلویزیونی با اعلام اینکه معدل نرخ بیکاری در دولت سیزدهم تا امروز به ۸.۷۶ درصد رسیده، گفته است: «معدل نرخ بیکاری کشور قبل از شروع دولت سیزدهم ۱۱.۳۹ درصد بود و اکنون در کانال ۸ درصد قرار دارد. آخرین آمار مربوط به فصل پاییز، حکایت از ۷۰۶ هزار اشتغال در کشور دارد.»

به گفته این مقام مسئول، کاهش نرخ بیکاری و افزایش نرخ مشارکت اقتصادی اتفاق افتاده و کاهش نرخ بیکاری در سه فصل سال جاری هم‌راستا با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی بوده است.

این اظهار نظر تأییدکننده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در تابستان سال ۱۴۰۲ است که نشان می‌دهد ۷.۹ درصد از جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر، بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری مرکز آمار ایران حاکی از آن است که این شاخص، نسبت به فصل مشابه سال قبل (تابستان سال ۱۴۰۱)، یک درصد کاهش یافته است.

در عین حال طبق بررسی‌های مرکز آمار ایران از نرخ مشارکت اقتصادی، در تابستان سال ۱۴۰۲ با میزان ۴۱.۶ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. براساس بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی، این نرخ نسبت به فصل مشابه سال قبل (تابستان سال ۱۴۰۱) ۰.۶ درصد افزایش یافته است.

برای درک بهتر ابعاد مختلف گزارش‌های آماری منتشر شده، بهتر است ابتدا بررسی کنیم که نرخ بیکاری چگونه محاسبه می‌شود. نرخ بیکاری در صدی از جمعیت مایل به اشتغال اما بدون شغل را شامل می‌شود. این نرخ معمولاً با تقسیم تعداد بیکاران بر تعداد کل نیروی کار فعال ضربدر ۱۰۰ محاسبه می‌شود. به عنوان مثال، اگر در یک کشور ۱۵ میلیون نفر بیکار باشند و تعداد کل نیروی کار فعال ۷۵ میلیون نفر باشد، نرخ بیکاری ۲۰ درصد است. طبق این تعریف، «بیکار» به فرد بالای ۱۶ سالگی گفته می‌شود که به‌طور موقت بیکار شده یا در جست‌وجوی شغل است. نیروی کار فعال نیز شامل مجموع افراد شاغل و بیکار است. معمولاً تعریف بیکار و روش محاسبه نرخ بیکاری در هر کشور ممکن است متفاوت باشد و به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی هر کشور بستگی دارد.

نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی دو شاخص مهم در ارزیابی وضعیت بازار کار هستند که به‌طور مستقیم با یکدیگر ارتباط دارند. از سوی دیگر، نرخ مشارکت اقتصادی بیانگر آن است که چه درصدی از کل جمعیت در سن کار از نظر اقتصادی فعال هستند، یعنی چه تعداد از افراد قادر به کار و واقعاً کار می‌کنند یا حداقل به دنبال کار هستند. این نرخ شامل جمعیت فعال و جمعیت در سن کار می‌شود و شامل افرادی نمی‌شود که به دلایلی مانند تحصیل، خانهداری یا داشتن درآمد بدون کار، فعال اقتصادی نیستند.

توجه به نرخ بیکاری به تنهایی ممکن است تصویری بیش از حد خوشبینانه از وضعیت بازار کار ارائه دهد، زیرا افرادی که دیگر به دنبال کار نیستند و از نیروی کار خارج شده‌اند را در نظر نمی‌گیرد. دولت‌ها معمولاً از این روش برای ارائه آمار مربوط به نرخ بیکاری استفاده می‌کنند. در کنار هم قرار دادن این دو متغیر به تحلیلگران کمک می‌کند تا سلامت یک اقتصاد را مورد ارزیابی قرار دهند.

گزارش

نوشین مقدم‌بناه

روزنامه‌نگار

مذاکرات مزدی ۱۴۰۳ هنوز در ابتدای راه است. براساس قانون کار، افزایش حداقل دستمزد سالانه کارگران با چانه‌زنی و مذاکرات سه‌جانبه نمایندگان رسمی دولت، کارگران و کارفرمایان در نهاد شورای عالی کار تعیین می‌شود. هنوز نشست‌های رسمی این شورا برای تعیین افزایش حداقل دستمزد ۱۴۰۳ برگزار نشده، اما کمیته دستمزد ذیل شورای عالی کار برای انجام محاسبات مزدی و استخراج معیارهای تعیین افزایش مزد، تا قبل از نیمه بهمن ماه حداقل دو بار تشکیل جلسه داده است. اصلی‌ترین بند قانونی تعیین حداقل دستمزد کارگران، ماده (۴۱) قانون کار است. این ماده شورای عالی کار را موظف کرده تا همه‌ساله میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به دو معیار تعیین کند؛ ابتدا «نرخ تورم رسمی که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود» و دوم، معیاری تحت عنوان «سبب معیشت حداقلی خانوارهای کارگری» که ترجمان بند دوم ماده (۴۱) قانون کار است. در این بند آمده: «حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تأمین کند.»

نتیجه مذاکرات در کمیته دستمزد

امسال وزارت امور اقتصادی و دارایی با استناد به ورودی ماده (۴۱) قانون کار که بر تعیین حداقل مزد کارگران برای نقاط مختلف و صنایع مختلف کشور صحت‌گذاشته، بحث «مزد منطقه‌ای» را به شورای عالی کار آورد. مزد منطقه‌ای در نشست کمیته دستمزد مطرح شد و در نهایت اعضای این نشست به اتفاق آرا تصمیم درست را در این دیدند: آنجا که هنوز زیرساخت‌ها برای اجرای مزد منطقه‌ای در نقاط مختلف کشور فراهم نیست، این مؤلفه از مذاکرات مزدی ۱۴۰۳ کنار گذاشته شود.

محسن باقری، نماینده کارگران در کمیته دستمزد و رئیس کمیته مزد قانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، در ارتباط با خروجی نشست‌های کمیته دستمزد گفت: «در صورت جلسه کمیته دستمزد برگزار شده در تاریخ ۹ بهمن ماه آمده که اعضای کمیته با تصویب مزد ملی، به همان روال سابق، موافقت کردند و البته موضوع به کلی منتفی نشد؛ قرار شد تحقیقات در خصوص مزد منطقه‌ای ادامه داشته باشد.»

او تأکید کرد: «فعلاً برای دستمزد ۱۴۰۳، مزد منطقه‌ای در دستور کار نیست و از برنامه نشست‌ها خارج شده است. نتایج کمیته دستمزد برای تصمیم‌سازی به شورای عالی کار ارجاع می‌شود و در نتیجه، بحث مزد منطقه‌ای در این شورا سه‌جانبه نیز دنبال نخواهد شد.»

باقری به ارائه یک گزارش خوب توسط سازمان تأمین اجتماعی در این نشست اشاره کرد و گفت: «براساس داده‌های این گزارش، ۲۱ درصد کارگران کشور حداقل‌بگیر و بیش از ۵۰ درصد کارگران سایر سطوح مزدی هستند، مابقی نیز بیش از ۳ تا ۷ برابر حداقل دستمزد دریافت می‌کنند. این گزارش نظر گروه کارگری را تأیید کرد و نشان داد که در شرایط فعلی نیازی به اجرای مزد منطقه‌ای نیست. ضمن اینکه زیرساخت‌های مورد نیاز برای تعیین حداقل دستمزد کارگران به‌صورت منطقه‌ای اصلاً فراهم نیست. ما در قانون کار چیزی به‌عنوان طبقه‌بندی مشاغل داریم که تعیین مزد متفاوت در صنایع مختلف و برای مشاغل مختلف براساس آن اعمال می‌شود.»

به این ترتیب، به نظر می‌رسد هنوز بسترها و زیرساخت‌ها در کشور برای اجرای مزد منطقه‌ای یا مزد صنایع، فراهم نشده و تعیین دستمزد ۱۴۰۳ به روال سال‌های گذشته با توجه به همان دو معیار مندرج در دو بند ماده ۴۱ قانون کار (نرخ تورم رسمی و سبب معیشت حداقلی) صورت خواهد گرفت.

الزامات افزایش دستمزد

در این شرایط، سؤال اصلی این است که حداقل دستمزد ۱۴۰۳ چند درصد باید افزایش یابد تا به

تصمیم‌گیری برای افزایش سالانه مزد و مستمری، شبیه یافتن پاسخ برای یک معادله با چند متغیر مختلف است. باید منتظر بمانیم و ببینیم امسال در مذاکرات مزدی شورای عالی کار چه اتفاقی می‌افتد و تا کجا امکان تحقق الزامات مزدی ماده (۴۱) قانون کار وجود دارد. علی حسین رعیتی‌فرد، معاون

بررسی مذاکرات مزدی ۱۴۰۳

بهبود قدرت خرید کارگران و بازنشستگان، منتظر تصمیمات شورای عالی کار

روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با این مسئله می‌گوید: «دولت و شرکای اجتماعی باید در فضای تعاملی و مبتنی بر شرایط روز در نشست‌های شورای عالی کار موازنه‌ای برقرار کنند که ضمن حفظ اشتغال موجود، زمینه‌های افزایش توان خرید کارگران و بازنشستگان را فراهم کنند.»



سبب معیشت و محاسبات آن

این فعال کارگری با تأکید بر لزوم توجه به نرخ تورم رسمی در تعیین حداقل دستمزد و پایداری به تطابق مزد و سبب هزینه‌های زندگی، ادامه داد: «بند دوم ماده (۴۱) قانون کار، تنها بخشی از این ماده قانونی است که

از لفظ «باید» در آن استفاده شده؛ در این بند از قانون به صراحت الزام شده که افزایش حداقل دستمزد سالانه کارگر باید به اندازه‌ای باشد که بتواند هزینه‌های حداقلی یک خانوار متوسط را در ماه تأمین کند. وقتی قانون‌گذار از این لفظ استفاده کرده، به این معناست که به هیچ بهانه‌ای نباید از این عمل تخطی کرد. در سال‌های اخیر، هیچ‌وقت حداقل دستمزد مطابق با سبب معیشت خانوار تعیین نشده است. در مذاکرات مزدی ۱۴۰۲، سبب معیشت خانوار در جلسات سه‌جانبه کمیته دستمزد حدود ۱۴ میلیون تومان نرخ‌گذاری شد، اما حداقل دستمزد به همراه مزایا به کمتر از ۹ میلیون تومان رسید.»

دوم بهمن‌ماه امسال علی حسین رعیتی‌فرد، معاون روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در رابطه با این مسئله اینگونه اظهار نظر کرد: «دولت و شرکای اجتماعی باید در فضای تعاملی و مبتنی بر شرایط روز در نشست‌های شورای عالی کار موازنه‌ای برقرار کنند که ضمن حفظ اشتغال موجود، زمینه‌های افزایش توان خرید کارگران و بازنشستگان را فراهم کنند.»

در این مسیر نظرات شرکای اجتماعی اخذ و با رویکرد کارشناسی جمع‌بندی و نهایتاً با رأی و نظر شورای عالی کار تلاش می‌شود به عدد قابل قبولی برای مزد سال آینده برسیم. او افزایش دستمزد را دغدغه‌ای جدی برای کارفرمایان در کارگاه‌های خرد و با حاشیه سود پایین توصیف کرد و گفت: «واحدهای بزرگ و صنعتی با افزایش دستمزد مشکل چندانی ندارند، اما این موضوع برای واحدهای خرد که آمار قابل توجهی از اشتغال کشور را به خود اختصاص داده‌اند، مهم است.»

احتمال تعدیل نیرو در کارگاه‌های خرد در صورت افزایش دستمزد، همواره یکی از دغدغه‌های نمایندگان کارفرمایان در شورای عالی کار و برخی مقامات دولتی بوده است. بیش از ۵۰ درصد اشتغال کشور در کارگاه‌های خرد و متوسط است، کارگاه‌هایی با کمتر از ۵۰ کارگر که نیروی کار آن‌ها ارزش افزوده چندانی تولید نمی‌کنند و حاشیه سود پایینی دارند. در این کارگاه‌ها به نسبت کارگاه‌های بزرگ و سودآور، دستمزد کارگران بخش بزرگ‌تری از هزینه‌های سربار کارگاه را تشکیل می‌دهد. لاجرم افزایش دستمزد هزینه‌های ماهانه کارفرمایان را افزایش می‌دهد. به اعتقاد نمایندگان کارفرمایان، توان پرداخت دستمزد در چنین کارگاه‌هایی محدود است و در نتیجه افزایش دستمزد می‌تواند از این توان محدود تجاوز کند. در چنین شرایطی تعدیل کارگران و بیکاری ناگهانی آن‌ها، یک خطر جدی است.

با این حال به گفته فرامرز توفیقی، فعال کارگری و کارشناس روابط کار، در تمام اسناد قانونی بالادستی، حمایت از اشتغال شکننده و آسیب‌پذیر و کارآفرینان در معرض خطر بر عهده دولت گذاشته شده و نباید بار ناتوانی کارفرمایان بر دوش کارگران بیفتد. او در گفت‌وگو با «آتی‌نو» اضافه کرد: «هزینه‌های سربار در کارگاه‌های خرد بالاست، اما درصد کمی از این هزینه‌ها را دستمزد کارگران تشکیل می‌دهد. دولت می‌تواند با باید با پرداخت یارانه‌های مختلف و بهره‌گیری از معافیت‌های متفاوت به کاهش هزینه‌های تولید در کشور کمک کند. یکی از این راهکارها، استفاده از بخشودگی‌های مالیاتی در قسمت‌های مولد اشتغال است. راهکار دیگر، کاهش هزینه‌های انرژی و ارائه یارانه به کارفرمایان محسوب می‌شود. در هر حال، نباید به بهانه افزایش هزینه‌های تولید، الزامات مزدی قانون کار زیر پا گذاشته شود.»

نگرانی‌های بازنشستگان

تعیین افزایش دستمزد کارگران در شورای عالی کار، یک جامعه بزرگ حدوداً ۱۴ میلیون نفری کارگران شاغل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما تأثیر این تصمیم فقط بر کارگران شاغل نیست. براساس ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی که تصریح دارد افزایش سالانه حداقل مستمری بازنشستگان نباید از افزایش حداقل دستمزد کارگران که در شورای عالی کار به تصویب می‌رسد کمتر باشد، تصمیم برای افزایش دستمزد، جامعه بازنشستگان تأمین اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

معمولاً هر ساله افزایش حداقل مستمری بازنشستگان کارگری به اندازه افزایش حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار تعیین می‌شود. به گفته محسن باقری، یکی از دلایل مخالفت کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی با مزد منطقه‌ای در کمیته دستمزد، همین رابطه برابری افزایش مزد و افزایش مستمری بوده است؛ چراکه اگر حداقل دستمزد به‌صورت منطقه‌ای تعیین شود، اجرای ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و تصمیم‌گیری برای افزایش مستمری بازنشستگان این سازمان با دشواری مواجه خواهد شد.

علی‌اکبر عیوضی، دبیر کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی استان تهران در این رابطه به «آتی‌نو» گفت: «معیشت بازنشستگان کارگری به تصمیم‌سازی‌های مزدی اعضای شورای عالی کار بستگی دارد. طبق ماده (۹۶) قانون تأمین اجتماعی، افزایش مستمری بازنشستگان باید به اندازه افزایش سالانه هزینه‌های زندگی باشد و بر اساس ماده (۱۱۱) افزایش سالانه حداقل مستمری نباید از افزایش حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار کمتر باشد. بنابراین انتظار داریم امسال در شورای عالی کار به شیوه‌ای برای مزد و مستمری تصمیم بگیرند که قدرت خرید جامعه کارگری کشور حفظ شود و ارتقا یابد.

به گفته عیوضی، تنها راه برای افزایش قدرت خرید کارگران و بازنشستگان، افزایش حداقل دستمزد بر مبنای الزامات قانونی است؛ یعنی به نرخ تورم و محاسبات سبب معیشت در شورای عالی کار توجه شود.

این فعال صنفی بازنشستگان تأمین اجتماعی، از حضور نماینده بازنشستگان در نشست‌های شورای عالی کار به‌عنوان یک پیشنهاد خیر داد و گفت: «از آنجا که تصمیمات این شورا در زندگی بازنشستگان تأثیر دارد، بهتر است نماینده این جامعه هدف در نشست‌های سه‌جانبه مزدی حضور داشته باشد.»

به نظر می‌رسد امسال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برنامه‌هایی برای عمل به این پیشنهاد در دستور کار دارد. دوم بهمن‌ماه علی حسین رعیتی‌فرد، معاون روابط کار این وزارتخانه در این رابطه گفت: «برای رفع نگرانی جامعه بازنشستگان و شنیدن نظر این گروه ضمن هماهنگی لازم، از نماینده کانون عالی کارگران بازنشسته برای حضور در یکی از نشست‌های شورای عالی کار و ارائه پیشنهادها به اعضای شورا دعوت خواهد شد.»

تصمیم‌گیری برای افزایش سالانه مزد و مستمری، شبیه یافتن پاسخ برای یک معادله با چند متغیر مختلف است؛ باید منتظر بمانیم و ببینیم امسال در مذاکرات مزدی شورا عالی کار چه اتفاقی می‌افتد و تا کجا امکان تحقق الزامات مزدی ماده (۴۱) قانون کار وجود دارد؛ از یک‌سو کارگران نگران معیشت و قدرت خرید خود هستند، از سوی دیگر کارفرمایان کارگاه‌های خرد و با سودآوری کم، از بالا رفتن هزینه‌های سربار تولید نگرانند. در این میان دولت با نقش واسطه‌گری خود می‌تواند قطار مذاکرات مزدی را در عین هدایت در ریل قانونی، به ایستگاه پایانی برساند.